

احکام و تعالیم فردی - خطا پوشی و ستاریت

حضرت بهاء الله



خطا پوشی و ستاریت

حضرت بهاء الله:

1 - " یا حبذا لمحسن لن یستہزء بمن عصی ویستر ما شہد منه لیستر اللہ علیہ جریراتہ وإنہ ہو خیر الساترین . کونوا یا قوم ستارا فی الأرض وغفارا فی البلاد لیغفرکم اللہ بفضلہ ثم اصفحوا لیصفح اللہ عنکم ویلبسکم برد الجمیل "

(ص ۱۱۵ ج ۴ آثار قلم اعلیٰ)

2 - " إن اطّلعتم علی خطیئة أن استروها لیستر اللہ عنکم إنہ لہو السّار ذو الفضل العظیم "

(لوح ناپلئون سوم - ص ۱۱۲ الواح نازلہ خطاب بملوک)

3 - " ستاریت حقّ بشانی غلبہ نمودہ کہ اگر صد ہزار بار از نفسی خطا مشاهده شود ابدأ ذکرش از قلم امر جاری نہ بلکہ عفو فرمودہ مگر نفوسی کہ اعراض از حقّ نمودہ اند " (ص ۱۸۰ ج ۳ امر و خلق)

4 - " بسا از نفوس کہ ارتکاب نمودند آنچه را کہ منہیّ بودہ و مع علم بہ آن از حقّ جلّ فضلہ اظہار عنایت و مکرمّت بر حسب ظاہر مشاهده نمودہ اند این فقرہ را حمل بر عدم احاطہ علمیہ کردہ اند غافل از آنکہ اسم ستّارم ہتک استار را دوست نداشتہ و رحمت سابقہ حجاب خلق را ندیدہ . ای علی اسم غفارم سبب تعویق عقاب بودہ و اسم وہابم علّت تأخیر عذاب " (ص ۱ - ۱۸۰ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبہاء:



TABLET

1 - " نظر بقصور در حق یکدیگر ننمائید . اگر نفسی تقصیری نسبت بدیگری نماید دیده ، خطاپوش باشد و قصور مقصّر را در حق خویش بدامن عفو ستر نماید و در مقابل آن قصور نهایت محبت و مهربانی مجری دارد تا مقصّر نجل و شرمسار نشود " (ص ۹۸ ج ۲ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

2 - " اگر چنانچه از بعضی دوستان قصوری صادر گردد دیگران باید بذیل ستر پیوشند و در اكمال نواقص او بکوشند نه اینکه از او عیبجوئی نمایند و در حق او ذلت و خواری پسندند نظر خطاپوش سبب بصیرت است و انسان پر هوش ستار () هر بنده پر معصیت . پرده دری شأن وحوش است نه انسان پر دانش و هوش "

(ص ۱۳۸ ج ۹ مائده آسمانی ط اول و با چند تفاوت از جمله () " ستار عیوب " در ص ۱۸۴ ج ۳ امر و خلق)

3 - " سؤال فرموده بودید که اگر قصوری سرّی از نفسی صادر و شخصی دیگر تشهیر دهد چگونه است . البته بقدر امکان باید ستر نماید و بچشم خطاپوش پیوشد و نصیحت نماید انّ الله ستار لعیوب عباده " (ص ۱۸۵ ج ۳ امر و خلق)

4 - " بقصور کس نظر ننمائید جمیع را بنظر عفو ببینید زیرا چشم خطا بین نظر بخطا کند اما نظر خطاپوش بخالق نفوس بنگرد " (ص ۷۲ ج ۱ بدیع الآثار)

5 - " ستاری در امور است که ضرش بنفس فاعل عائد نه بدولت و ملت و جمعیت بشریه و نوع انسانی راجع مثلا اگر شخصی ارتکاب فسقی نماید یا آنکه عمل قبیحی از او صادر شود که ضرر راجع به نفس آن شخص است مثل آنکه تعاطی شرب کند یا مرتکب فحشاء گردد در این مقام ستاری مقبول و خطاپوشی محمود . اما اگر نفسی دزدی نماید ، مال دیگری بریاید در این مقام ستر ، ظلم بر صاحب مال است . هر چند در حق سارق ستاری عنایت است ولی در حق آن بیچاره مظلوم که اموالش منسوب گردیده عین تعدی و ظلم است . این میزان است که بیان شد و باوجود این نباید پاپی ظهور نقائص ناس شد . تحرّی لازم اما باندازه نه اینکه نفسی شغل و عمل خویش را این قرار بدهد که فلان شخص ظلمی نمود و فلان کس تعدی کرد و از مأمورین چه خیانتی ظاهر شده ، اوقات خویش را حصر در این نماید . این نیز غیر مقبول " (ص ۷ - ۱۸۶ ج ۳ امر و خلق)

حضرت ولی امر الله:

1 - " هر چه صبر و شکیبائی و تفاهم محبت آمیز یاران نسبت بیکدیگر و اغماض نواقص بیشتر باشد ترقی جامعه بهائی بطور کلی افزون تر خواهد گشت " (ص ۲۱ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوب)